

نقد و بررسی فقهی نظرات مخالفان مجازات زندان

دکتر سید محمد رضا آیتی^۱

عبدالجبار زرگوش نسب^۲

چکیده:

این پژوهش با مد نظر قرار دادن هدف اسلام از مجازات زندان به بیان دیدگاههای مخالفان و موافقان مجازات زندان می‌پردازد. همچنین با نقد و بررسی جوانب مختلف آن، راهکارهای راهبردی برای رهایی از ایرادها و شبهه‌هایی که در این خصوص وجود دارد ارائه، و آرای دانشمندان و فقهارا در این زمینه مورد سنجش و نقد قرار داده، در مواردی چاره‌ای جز زندانی کردن مجرم و دفع شر او از جامعه وجود ندارد، و مجازات‌های جایگزین که توسط مخالفان کیفر زندان پیشنهاد شده مانند جریمه نقدی، حبس خانگی و.. جهت دفع شرارت مجرمین و صیانت جامعه کفایت نمی‌کند. در این راستا این مقاله به موارد ذیل در ارتباط با موضوع مطرح شده پرداخته است: نظرات مخالفان کیفر زندان، امتیازات مجازات زندان بر کیفرهای دیگر، زندان ضرورت اجتناب ناپذیر، طبقه بندی زندانیان، نفی تبعیض با مجازات زندان، کیفر زندان از عوامل صیانت جامعه، سازنده بودن زندان، بازدارندگی زندان.

واژگان کلیدی: مجازات زندان، مخالفان، موافقان، فقه

^۱ - دانشیار فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

^۲ - دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

مقدمه

هدف مشروع و قانون گذار اسلامی از مجازات زندان اصلاح و تهذیب نفوس و سلامت جامعه است، کیفر زندان در راستای ایجاد امنیت، استقرار نظم در جامعه، مقابله با جرایم، تنبیه مجرم و متخلف و تلاش برای تهذیب مجرمان و بازگشت آن ها به آغوش جامعه است. بنابراین، در فقه اسلام جهت پیشگیری از هر نوع فساد و آلودگی که ممکن است زندانیان در اثر زندان به آن مبتلا شوند راهکاری ارائه شده است از جمله: طبقه بندی زندانیان از لحاظ جرم، سن و جنس، تأکید بر حفظ حقوق زندانی و..

این مقاله به نقد و بررسی نظرات و دلایل مخالفان مجازات زندان پرداخته است، در ابتدا بعضی از ایرادات و ادعاهای مخالفان کیفر زندان مطرح کرده است، سپس آن ها را بطور مستند مورد نقد و بررسی قرار داده است، نگارنده در این نوشتار، که به روش کتابخانه ای تدوین شده است، به تجزیه و تحلیل ارا و دلایل علما و فقهای پیرامون کیفر زندان پرداخته است، و از روش توصیفی، تحلیلی و انتقادی بهره گرفته است، هدف از بررسی این موضوع ضمن تبیین آن، ارائه راه حل های مشکلات ناشی از مجازات زندان که مخالفان آن مطرح کرده اند. پرسش اساسی که نگارنده در پی پاسخگویی بدان است عبارت است از آنکه، آیا مجازات زندان ضرورت دارد و مشروع می باشد؟ و آیا از منظر فقه راه حل هایی برای ایرادات مطرح شده توسط مخالفان زندان وجود دارد؟

۱. نظرات مخالفان مجازات زندان

سیاست زندان زدایی ازپیش مطرح شده است، و در جمهوری اسلامی ایران پس از انتصاب آیت... هاشمی شاهرودی به ریاست قوه قضائیه این بینش تقویت شد. بررسی کارکردهای قضایی و اجتماعی زندان از دیدگاه ایشان تحت عنوان (زندان؛ هنر تنبیه یا مجازات قانونی)^۱ توسط سیدعباس پورهاشمی تدوین شده است. در این مجموعه سعی شده که زندان زائیده غرب نشان داده شود. بدون تردید شکنجه و مجازات زندانیان بطور وحشیانه در قرون وسطی و بعد از آن در غرب و نظام های کمونیستی با کرامت انسانی و نظام حقوقی اسلامی منافات دارد، ولی به این معنی نیست که در اسلام زندان وجود نداشته یا تنها درد و یاسه مورد محدود باشد، و یا این که مشروعیت نداشته باشد و باید جایگزین شود. برخی از حقوقدانان و جامعه شناسان نیز ادله ای در راستای حذف مجازات زندان بخصوص در امور غیر خطیر مانند زندان در تخلفات مالی را ذکر نموده اند، و قایل به جایگزین های زندان شده اند؛ مانند، جریمه نقدی و تعلیق مراقبتی فشرده و.. تا جایی که بعضی از حقوقدانان، نافی وجود زندان در اسلام هستند و می گویند در قرآن کریم آیه ای وجود ندارد که بر زندانی کردن متخلفان و مجرمان دلالت کند، و آنچه در مورد زندان در سنت آمده در واقع از دوران حکومت های ظالمانه امویان و عباسیان نشأت گرفته، که بر اساس موازین اسلام نبوده، بنابراین زندان مشروعیت ندارد. بعضی دیگر آن را زائیده غرب می دانند، آیت الله شاهرودی ریاست سابق قوه قضائیه در ارتباط با مجازات حبس چنین می گوید: «من در حد برداشت خودم از متون اسلامی مثلا روایات به این نتیجه رسیدم که زندان در اسلام به عنوان یک مجازات نیست. جنبه مجازاتی آن بسیار کم رنگ است. بیشتر

زندان ازدید اسلام، ازدید خوب اسلامی و مبانی اسلامی به عنوان یک پیشگیری و یک ضرورت است نه یک مجازات و همین امر سبب شده است در متون ما و در احکام جزایی اسلام و مجازات های اسلامی و آنچه در فقه اسلام تبیین شده است و آنهایی که از منابع اسلامی بدست آمده است برای این است که زندان بعنوان یک مجازات مطرح نگردد مگر در موارد نادر.^۳

در کتاب « مجازات های جایگزین » آمده: « تنها پنج آیه در قرآن وجود دارد که در مورد مجازات سرقت، زنا، غیر محصنه، قتل، محاربه و کذب صحبت می کند و جالب است که جز یکی از آن ها - آن هم به تفسیر و تعبیر برخی - هیچ کدام به مجازات زندان اشاره ای ندارد و جالب تر اینکه پس از اعلام حکم در هر آیه، خداوند تاکید می فرماید که در صورت امکان از اعمال مجازات خودداری شود.^۴ سید محمود شاهرودی می گوید: « زندان در فقه اسلامی خیلی محدود است و دو یاسه مورد را بیشتر شامل نمی شود و حالت استثنایی و ضروری دارد و عنوانی که امروزه نام زندان دارد، لحاظ نشده است بلکه زندان جایی است که همان شخص زندانی طوری در آن قرار بگیرد که خودش عوض شود و همان مکان های تربیتی منظور اسلام بوده است و از آدابی هم که برای زندان و زندانی است و در قوانین ما نهادینه شده روشن می شود که به زندان و زندانی به دید دیگری در مجازات اسلامی نگاه می شود.^۵ ایشان نیز می گوید: « زندان به عنوان مجازات در فقه اسلامی مامطح نیست ولی به عنوان بازداشت موقت آمده است. در اتهام به قتل عمد، در روایات صریح و صحیح فقها آمده است که متهم به قتل عمد بیش از شش روز بازداشت نمی شود.^۶ همودراین راستا گفته است: « از بعد های دیگری که انسان به زندان نگاه می کند، می بیند که هزینه

های سنگینی درتأسیس آن وجود دارد، اولین هزینه، هزینه بایگانی کردن فرداست به عنوان یک نیروی انسانی که در زندان محبوس و معطل می ماند و کل خلاقیت ها و تمام نقش تولیدی اوچه اقتصادی وچه غیراقتصادی که ممکن است در خارج از زندان داشته باشد، محدود می شود و از بین می رود.^۷ در کتاب زندان، هنر تنبیه یا مجازات قانونی آمده: ((زندان مجازاتی است که برخاسته از سیستم قضایی فرهنگ مدرنیته غرب است که در راستای بهنجارسازی ماشینی انسان ها تأسیس شده است.))^۸

از ایرادات مخالفان مجازات زندان سرایت آلودگی های مجرمان خطرناک به بازداشتی ها و زندانیان در امور مالی است، به نظر این ها بازداشتیها قبل از این که جرمشان ثابت گردد و ممکن است تبرئه شوند در یک مکان بازندانیان خطرناک حبس می شوند، این امر موجب آلودگی اینها می شود ((زندانیانی که در انتظار محاکمه و به اصطلاح در بازداشت موقت به سر می برند، در برخی کشورها درصد بالایی از زندانیان را تشکیل می دهند و برخی از آنان بیش از مدت حداقل مجازات مقرر در قانون در زندان می مانند.))^۹ حبس کودکان بابرگسالان باعث آلودگی این ها می شود، در بسیاری از کشورها، کودکان به زندان هایی گسیل می شوند که شرایط بزرگ سالان بر آنان تحمیل می شود.^{۱۰} حبس زندانیان متخلف و غیر خطرناک با مجرمان خطرناک در یک جاموجب سرایت جرایم گوناگون می شود، با توجه به این که در زندان افرادی که سالیان دراز با تخلفات ممارست داشته و در این باره مهارتی پیدا کرده اند، با افراد عادی و احیاناً با کسانی که در واقع خلافکار نیستند بلکه قانون آنها را خلافکار شناخته است؛ مانند اشخاصی که اسلحه حمل می کنند و یا کشاورزانی که به مقدار تعیین شده گندم نکاشته اند، و یا از راه خطا مرتکب جرمی شده اند در یک جا

نگهداری می شوند، جمع شدن آنها در زیر یک سقف باعث می شود که قدرت واگیری و سرایت تخلفات در میان آنها بیشتر شود و حالت همگانی پیدا کند^{۱۱} در کتاب تاریخ تحولات زندان با همین مضمون نیز آمده است.^{۱۲} و نیز ادعا دارند کیفرزندان بازدارندگی ندارد، و از جهتی دیگر باعث تبعیض بین طبقه فقیروغنی می شود؛ زیرا بیشتر تخلفات در میان طبقه فقیر است لذا بیشتر زندانیان از این طبقه می باشند.

از جمله ی اشکالات آنان نیز این است که مجازات زندان برای حمایت جامعه کافی نیست با این بیان که مجازات زندان عقوبتی است برای مدت طولانی و یکدفعه انجام نمی گیرد، لذا جامعه احساس می کند چنین مجازاتی برای حمایت افراد در مقابل متخلفان و مجرمان کافی نیست ((مجازات حبس، عقوبتی است که بعد از ارتکاب جرم بلافاصله به گونه دفعه واحده انجام نمی گیرد، بلکه برای مدت زیادی طول می کشد، و به همین علت، آثار این مجازات در ایجاد اطمینان خاطر برای جامعه، و از بین بردن ترس و واهمه آن جرم از نظر افراد اجتماع محو و نابود می شود، تا جایی که جامعه احساس می کند که این گونه مجازاتها برای حمایت از افراد در مقابل افراد خطاکار کافی نیست، علاوه بر آن اگر مجازات بلا فاصله انجام نگیرد، در اثر گذشت زمان، آن شدت و غلظتی که وقوع جرم در نهاد دست اندرکاران قضاوت و اجرای قوانین کیفری ایجاد کرده بود از بین می رود.))^{۱۳}

۲. نقد آراء و دلایل مخالفان مجازات زندان

آراء و ادله ای که مخالفان زندان ذکر نموده اند، به امور ذیل بر می گردد: حقوق زندانیان، حق جامعه، کمبود امکانات، هزینه هایی که از بیت المال خرج می شود،

مشروعیت و عدم مشروعیت زندان، اغلب زندانیان از طبقه‌ی فقیرند. بنابراین بعضی به جایگزین زندان قایل شده‌اند.

با توجه به اینکه در این پژوهش زندان از منظر فقه اسلام مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد؛ لذا ضروری است که در اظهار نظر پیرامون مجازات زندان از دیدگاه اسلام، همیشه فلسفه و هدف اسلام از زندان مدنظر داشت؛ زیرا چشم پوشی از آن اشتباه محض است.

۱-۲. بازدارندگی مجازات زندان

اعمال مجازات زندان به عنوان تنبیه و مجازات متخلف و مجرم: مجازات زندان جرم را محدود و او را از آزادی محروم می‌گرداند که این یک عامل بازدارنده خواهد بود. دکتر داوود محمدی گفته است: یکی از نعمت‌هایی که خداوند متعال در نهاد آدمی قرار داده، عشق انسان به آزادی و اختیار است و بدیهی است هر آنچه به این ودیعه الهی خدشه وارد سازد برای آدمی سخت و ناگوار بوده و سلب آزادی به عنوان شکنجه‌ای دردناک و آزار دهنده، روح و جسم انسان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. از این رو محدودیت‌های ناشی از حبس به واقع تنبیهی سخت و بازدارنده خواهد بود. لذا اولین حسنی که بر مجازات زندان است، همان اعمال تنبیه و مجازات برای مجرم و محروم ساختن وی از این نعمت خدادادی می‌باشد^{۱۴} جنبه تنبیه و ارعاب در زندان بیش از سایر کیفرهاست که آنی و زودگذرند و در نتیجه آثار بازدارندگی آن بیشتر از سایر مجازات‌ها است. دکتر محمدی در این زمینه گفته است: « اگرچه کلیه مجازات‌ها اعم از اعدام، شلاق، جزای نقدی و زندان هر کدام به نوعی جنبه ارعابی و بازدارندگی دارند لیکن به نظر می‌رسد که جنبه ترهیبی و

ترذیلی در مجازات حبس بیش از سایر مجازات‌ها باشد. چه همان طوری که توضیح داده شد در کیفرهای آنی و زودگذر مانند شلاق و حتی اعدام آثار آنها نیز زودگذر و آنی است.... علی‌ای حال کیفر زندان از مجازات‌هایی است که توام بودن کیفر با رسوایی و ننگ و فضاحت از یک طرف (جنبه ترذیلی) و شکنجه و رنج و محرومیت از آزادی از طرف دیگر (جنبه ترهیبی) در آن در مقایسه با سایر مجازات‌ها به مراتب بیشتر بوده و در نتیجه آثار بازدارندگی و اصلاحی آن نیز فراتر از سایر کیفرها می‌باشد.^{۱۵} هنگامی که از ارباب و بازدارندگی خصوصی زندان صحبت می‌شود در واقع ناتوان‌سازی مجرم در طول تحمل کیفر زندان مدنظر است که با روشهای جایگزین زندان نمی‌توان بدان دست یافت.^{۱۶} و روشن است که بازدارنده بودن زندان و ناتوان‌سازی مجرم یکی از امتیازات زندان است، بسیاری از افراد به دلیل ترس از ضمانت اجرای کیفری که در صورت دستگیری با آن مواجه‌اند. از ارتکاب جرم دست بر می‌دارند.

۲-۲. هدف اسلام از زندان

مجازات باید توان بازدارندگی داشته باشد، یعنی انسان را پیش از اقدام به تخلف و ارتکاب جرم باز دارد و با اجرای آن بعد از ارتکاب جرم از تکرار آن جلوگیری نماید. مجازات زندان چنین ویژگی دارد. البته کیفر زندان از دیدگاه اسلام تنها در راستای اصلاح مجرمین محدود نمی‌باشد بلکه به عنوان یک مجازات در مقابل تخلفات و جرایم به عنوان تنبیه نیز می‌باشد. زیرا در کیفر زندان صلاح و فساد جامعه مورد نظر است، گاهی مصلحت اقتضا دارد که مجرم زندانی شود و شر او از

مردم بریده گردد چنانچه در سایر کیفرها صلاح و فساد جامعه مورد نظر است مثلا گاهی مصلحت ایجاب می نماید که مجرم کشته شود مانند قاتل و محارب و.. هدف اسلام از مجازات زندان اصلاح و تهذیب نفوس است و در راستای سلامت جامعه است. اسلام در تشریح و قانونگذاری مانند پزشک ماهری است که بعد از نهایت اهمیت دادن معالجه ی بیمار گاهی جهت حفظ حیات و سلامتی او عضوی از بدنش را با عمل جراحی قطع می کند .

به عبارتی دیگر اهداف اسلام از کیفر زندان : یک-ایجاد امنیت و استقرار نظم در جامعه و مقابله با جرایم در راستای حفظ حقوق مردم است. دو- تنبیه مجرم و متخلف و تلاش برای اصلاح و تهذیب او از طریق ارشاد و تعلیم و تربیت.

اصلاح و تربیت انسانهای خلافکار و مجرم در راستای بازگشت آنان به عنوان افراد صالح به جامعه می باشد، تنبیه ، و مجازات متجاوزگران به حقوق دیگران در راستای احقاق حق جامعه است ، افراد خلافکار و مجرم زندانی می شوند تا جامعه از ارتکاب جرایم آنان در امان باشد. ضمن اعمال کیفر زندان می توان موجبات ارباب متخلف و مجرم و پیشگیری از ارتکاب او به جرم را فراهم کرد و باعث پیشگیری عمومی و جلوگیری از قانون شکنی نیز شود.

با مجازات زندان رضایت افرادی که به حقوقشان تجاوز شده جلب می شود و این باعث آرامش روحی زیان دیده گان می شود و در ایجاد آرامش عمومی موثر است. وائلی فرموده: ((اسلام زندان را طوری تشکیل می دهد که یک نوع کانون تربیت و اصلاح برای افراد خطاکار قرار می گیرد؛ و نیز در نظر اسلام زندان منحصرأ کیفر جرائمی است که غالباً برای جلوگیری از آنها کافی به نظرمی رسد و گونه برای بسیاری

از جرائم دیگر مجازات‌های دیگری معین شده است.)^{۱۷} در مواردی اهداف اسلام در پاکسازی محیط جامعه و افراد با اجرای مجازات تعیین شده محقق می‌گردد، اینک که بعضی می‌گویند: زندان نباشد و حدود اجرا نشود خودش عامل آلوده کردن جامعه و پایمال کردن حقوق دیگران است. در کلام معصومین (ع) اجرای مجازات و حدود، رحمت الهی برای شستن آلودگیهای جامعه دانسته شده، و فایده آن بیش از فایده و نعمت باران برای زمین عنوان شده است.

امام باقر علیه السلام فرموده: «حد یقام فی الارض ازکی فیها من مطر اربعین لیله و ایامها»^{۱۸} حدی که در روی زمین اقامه شود از باران چهل شبانه روز پاک کننده تر است.» یکی از اهداف اسلام از مجازات‌ها، پیشگیری از وقوع جرم می‌باشد و معلوم است که اقدامات پیشگیرانه به مثابه ی واکسیناسیون جامعه در مقابل جرایم است. این اقدامات می‌تواند به دو صورت باشد:

یک- بعضی از اقدامات مربوط به زمان قبل از وقوع جرم است.

دو- قسمتی دیگر از اقدامات مربوط به زمان بعد از وقوع جرم است.

کیفر زندان نسبت به سایر کیفرها در این زمینه ترجیح دارد و بهترین کیفرهای پیشگیرانه است. بدون تردید اسلام بر اختصاص دادن جایی جهت ضبط عناصر شرور و حفظ و صیانت جامعه از شرارت آنها توصیه می‌کند، و در این راستا مجازات زندان در مواردی به عنوان کیفر پذیرفته است، در مواردی که مجازات زندان به طور ابد تشریح شده و امیدی برای برگشت فرد زندانی به آغوش جامعه نیست معلوم می‌گردد که اسلام از زندان تنها به عنوان اصلاح و تربیت افراد زندانی بهره‌گیری نمی‌کند؛ بلکه به عنوان کیفر و رعایت مصلحت جامعه در راستای دور کردن افراد شرور از جامعه بهره‌گیری می‌کند. از جهتی دیگر با توجه به اینکه زندان یکی از انواع

تعزیرات است در مواردی اسلام، حاکم شرع را مخیر کرده بین حبس کردن مجرم و بین کیفرهای جایگزین آن، و در مواردی نیز تعیین مقدار و مدت زندان به حاکم شرع واگذار شده است. و یا اینکه آزادی زندانی به توبه و اصلاح فرد مجرم منوط کرده است. هر چند در بعضی موارد مدت زندان معین شده که تعریف حد بر آن صدق می کند. بنابر این؛ در مواردی که نوع مجازات و یا مقدار آن از جانب شرع مقدس معین نشده حاکم بر اساس مصلحت نوع مجازات و مقدار آن را تعیین می کند.

عبدالقادر عوده در کتاب خود التشریح الجنائی می گوید: «تعزیرات دسته ای از کیفرها را گویند که مقدار آنها در شریعت بیان نشده است، و از سبکترین عقوبتها مانند نصیحت کردن و ترساندن شروع، به شدیدترین مجازاتها مثل حبس کردن و تازیانه زدن منتهی می شود. گاهی در مورد گناهان بزرگ به مرحله قتل هم می رسد، و قاضی اختیار دارد در میان آنها مجازاتی را که با جرم و شأن مجرم مناسبت دارد، با توجه به شخصیت و سوابق او در نظر بگیرد»^{۱۹}

تردید نیست در اینکه از وظایف حاکم جامعه حفظ مصلحت همگانی است بر او لازم است از رساندن ضرر و شرارت مجرمین به جامعه جلوگیری کند، به نظر می رسد بهترین نوع مجازات در جلوگیری از شرارت و از راههای حفظ امنیت جامعه حبس افراد شرور است. هر چند به فرد ضرر می رسد ولی این یک ضرر فردی است و در مقابلش حفظ امنیت و مصلحت همگانی است که بر مصلحت فرد مقدم است. باید همیشه هدف اسلام از مجازات زندان مدنظر قرار داد، و با توجه به آن باید سودمند بودن زندان و یا زیان بودن آن مقایسه کرد و سنجید. و چنانچه قبلا نیز گفته شد اسلام از زندان دو هدف ذیل را پیگیری می کند: اصلاح و تربیت مجرمین، وصیانت و حفظ جامعه در برابر خطرات احتمالی مجرمین. البته نباید

گرایش به سوی اصلاح و تربیت مجرمین موجب از بین بردن اثر تنبیهی و ارعابی مجازات گردد. سؤالی اینجا مطرح می شود که عبارت است از: آیا به نظر منتقدان و مخالفان مجازات زندان باید مجرم به مجازاتهایی دیگر غیر از زندان مانند مجازات به جزای نقدی و یا ... مجازات کرد و او را در میان جامعه رها کرد؟ اگر همین امر دایر باشد بین اینکه فرد فدای جامعه کرد یا برعکس هنگامی که امر دایر می باشد بین اینکه مجرم به حال خود در میان جامعه رها کرد و بین اینکه مجرم زندانی کرد و شرارت او از جامعه با زندان دور کرد، باید چه کار کرد؟ معلوم است که برای دفع خطرات مجرم از جامعه، عقل به جلوگیری از به حال خود گذاشتن مجرم در میان جامعه و جدا کردن او از افراد جامعه حکم می کند.

فلسفه تشریح مجازات از جمله حبس و زندانی بزهکاران و متخلفان مالی از نظر اسلام، حفظ مصالح افراد جامعه است، خداوند متعال که خالق انسان و جهان است به مصالح و مفاسد جامعه عالم است، راه تأمین مصالح و دفع مفاسد را در احکام و مجازات خود از جمع زندان منظور دانسته است. و هدف از آن تأمین خیر و سعادت جامعه است، لذا مجازات کیفری در اسلام با تناسب با تخلفات و جرایم جعل شده، و از باب لطف و مرحمت پروردگار است برای احقاق حق و جلوگیری از تباه کردن حقوق انسانها.

۳-۲. طبقه بندی زندانیان از لحاظ جرایم، سن، و جنس

۳-۲-۱. طبقه بندی زندانیان از لحاظ جرایم

زندانیان از نظر نوع جرمی که مرتکب می شوند باید طبقه بندی شوند، بعضی از مجرمین خطرناک و حرفه ای هستند که با ارتکاب جرم انس دارند، و بعضی در اثر

تخلفات سبکی به خاطر بدهکاری و ... به زندان افتاده‌اند، بدون تردید شریعت اسلام از باب امر به معروف و نهی از منکر از قرار دادن این گونه افراد با هم جلوگیری می‌کند، تا اینکه انحرافات آنان به زندانیان دیگر سرایت نکند. در روایات بسیاری از این آمیزشها که منجر به فساد می‌گردد ممانعت شده.

در کتاب احکام زندان در اسلام آمده: «... از نظر جرمی که شخص به خاطر آن به زندان می‌رود، باید توجه داشت که ثابت شده است که بعضی از زندانیان کسانی هستند که با گناه ممارست دارند و سعی می‌کنند که انحراف اخلاقی خودشان را در میان کسانی که برای نخستین بار به زندان افتاده‌اند، و یا به خاطر عدم پرداخت بدهی و یا خطاهایی که از طبیعت فاسد سرچشمه نمی‌گیرد محبوس شده‌اند، نشر بدهند. قابل تردید نیست که شریعت اسلام از باب امر به معروف و نهی از منکر و برای این که خطاکاران حرفه‌ای از نشر خطا باز مانند، و انحرافات به دیگران سرایت نکند از این گونه آمیزشها جلوگیری می‌کند، و در این مورد روایات زیادی وارد شده است که به طور صریح استفاده می‌شود که از هر نوع آمیزشی که منجر به فساد گردد باید ممانعت شود. به علاوه چون این گونه اختلاطها راهی به سوی فساد است، باید آن راه بسته شود، و همان طور چون مصاحبت‌های آنچنانی مقدمه‌ای برای منکرات و محرمات است و در جای خودش ثابت شده است که مقدمه حرام، حرام است؛ و ما در اسلام دلیلی پیدا نمی‌کنیم که از صنفی کردن زندانها جلوگیری نماید، بلکه اسلام این کار را به منظور ممانعت از فساد واجب می‌داند. از طرف دیگر در بعضی از مصادر مخصوصاً در کلام صریح ابن عابدین دیده می‌شود که در قرن چهارم هجری زندانها از نظر جرم به سه نوع تقسیم شده بود»^{۲۰}.

وائلی در این راستا می فرماید: «از نظر جرمی که شخص به خاطر آن به زندان می رود، باید توجه داشت که ثابت شده است که بعضی از زندانیان کسانی هستند که با گناه ممارست دارند و سعی می کنند که انحراف اخلاق خودشان را در میان کسانی که برای نخستین بار به زندان افتاده‌اند، و یا به خاطر عدم پرداخت بدهی و یا خطاهایی که از طبیعت فاسد سرچشمه نمی گیرد محبوس شده‌اند، نشر بدهند. قابل تردید نیست که شریعت اسلامی از باب امر به معروف و نهی از منکر و برای این که خطاکاران حرفه‌ای از نشر خطا بازمانند، و انحرافات به دیگران سرایت نکند از این گونه آمیزش‌ها جلوگیری می کند، و در این مورد روایات زیادی وارد شده است که شدیداً از مصاحبت اشرار و رفیقان بد منع کرده‌اند. از این روایات به طور صریح استفاده می شود که از هر نوع آمیزشی که منجر به فساد گردد باید ممانعت شود. به علاوه چون این گونه اختلاط‌ها راهی به سوی فساد است، باید آن را بسته شود و همان طور چون مصاحبت‌های آنچنانی مقدمه‌ای برای منکرات و محرمات است و در جای خودش ثابت شده است که مقدمه حرام، حرام است؛ و ما در اسلام دلیلی پیدا نمی کنیم که از صنفی کردن زندان‌ها جلوگیری نماید، بلکه اسلام این کار را به منظور ممانعت از فساد واجب می داند. از طرف دیگر در بعضی از مصادر مخصوصاً در کلام صریح ابن عابدین دیده می شود که در قرن چهارم هجری، زندان از نظر جرم به سه نوع تقسیم شده بود:

الف- زندان ویژه ای جهت کسانی که به علت عدم پرداخت بدهی به زندان افتاده‌اند.

ب- زندان مخصوص برای دزدان

ج- زندان دیگری برای بقیه خطاکاران

از مطالعه تصریحات گذشتگان به دست می آید که امر صنفی کردن زندان ها مورد نظر آن ها بوده است، و از آثار شومی که بر اختلاط افراد خطاکار- که به جهت جرم های گوناگون به زندان افکنده شده اند- مترتب می شود، آگاهی داشته اند، و این یکی از امتیازات احکام اسلامی است»^{۲۱}.

۲-۳-۲. طبقه بندی زندانیان از لحاظ سن

از حقوق زندانیان این است که زنان از مردان، کودکان از بزرگسالان جدا و مجرمین خطرناک از متخلفان و مجرمین معمولی و مالی جدا باشند. روایات و فتاوی فقها بر طبقه بندی زندانیان از لحاظ جنس و سن دلالت دارند، و بعضی از علما قایل به طبقه بندی زندانیان از لحاظ نوع جرمه نیز شده اند. بدون تردید عقل سلیم به جدایی مجرمین خطرناک از مجرمین دیگر، و زنان از مردان، و کودکان از بزرگسالان حکم می کند. با توجه به اینکه نگهداری متخلفان کودک با بزرگسال و یا زن با مرد در یک جا، مقدمه کار فساد و حرام است. و مقدمه حرام، حرام است، لذا از نظر شرع مقدس نگهداری آنها در یک جا جایز نیست، علاوه بر آن روایاتی نیز وجود دارد که از آن نهی کرده است. مرحوم وائلی در این زمینه می گوید: «... کودک را به خاطر تأدیب، مرد و زن بزرگسالی را به آن جهت و یا به منظور اجرای حد، زندانی می نمایند؛ آیا آنها با هم در یک جا نگهداری می شود و یا لازم است به طور جداگانه محبوس شوند؟ می توان گفت کسی که با شریعت سرو کار دارد می داند که شریعت با اهتمام کامل، از فساد و کار حرام جلوگیری می نماید؛ و فقهای مسلمین در باب مقدمه واجب و حرام داد سخن داده و ثابت کرده اند که هر چیزی که مقدمه

کار حرام است، نامشروع و حرام می باشد. بنابر این باید گفت چنانچه جمع کردن بچه خردسال با مرد بزرگسال، در یک جا قرار دادن زن و مرد منجر به فساد و حرام گردد، بدون شک حرام خواهد بود؛ و در گذشته گفته شد که حکم به حبس و اجرای آن مخصوص امام و نایب خاص و یا عام اوست و شرط شده است که نایب امام باید مجتهد و عادل باشد، با وجود این شرایط حتمی است که او رأی خودش را با شریعت تطبیق می دهد. بنابر این برای هر یک از اصناف زندانیان محل مخصوصی معین می کند تا جمع کردن آنان در یک جا منجر به فساد و حرام نگردد».^۲ وائلی گفته است: ((می توان گفت کسی که با شریعت سر و کار دارد، می داند که شریعت با اهتمام کامل، از فساد و کار حرام جلوگیری می نماید، و فقهای مسلمین در باب مقدمه واجب و حرام، داد سخن داده و ثابت کرده اند که هر چیزی که مقدمه کار حرام است، نامشروع و حرام می باشد. بنابراین باید گفت چنان چه جمع کردن بچه خردسال با مرد بزرگسال و در یک جا قرار دادن زن و مرد منجر به فساد و حرام گردد، بدون شک حرام خواهد بود، و در گذشته گفته شد که حکم به حبس و اجرای آن مخصوص امام و نایب خاص و یا عام اوست و شرط شده است که نایب امام باید مجتهد و عادل باشد؛ با وجود این شرایط حتمی است که او رأی خودش را با شریعت تطبیق می دهد. بنا بر این برای هر یک از اصناف زندانیان محل مخصوصی معین می کند تا جمع کردن آنان در یک جا منجر به فساد و حرام نگردد».^{۲۲}

۳-۳-۲. طبقه بندی زندانیان از لحاظ جنس

در روایتی آمده که رسول خدا (ص)، زنان را جدا از مردان طبقه بندی می کرد، علاوه بر این روایات فراوانی بر عدم اختلاط زنان با مردان دلالت دارند، و معلوم

است که زندانی کردن زنان با مردان از مصادیق بارز اختلاط است. وجود زنان و مردان در یک زندان مقدمه فساد است که دفعش عقلاً و شرعاً واجب است، و هر چیزی که مقدمه برای عمل حرام باشد، حرام می باشد.

در کتاب ترتیب الاداریه آمده است: «در کتاب های سیره درباره کیفیت مسلمان شدن عدی پسر حاتم و فرار او به منطقه شام چنین آمده است: عدی وقتی که شنید سپاهیان اسلام به سوی او می آیند، آن سرزمین را ترک کرد. نیروهای پیامبر اسلام (ص) او را تعقیب می کردند که به عده ای برخوردند، که در میان آنان دختر حاتم نیز بود. سپاهیان او را نیز با دیگر اسیران قبیله طی به اسیری گرفته و به نزد پیامبر (ص) آوردند. رسول خدا(ص) وقتی که شنید عدی به سوی شام گریخته است، دختر حاتم را در دم مسجد در درون یک اتاقک که از بویا ساخته شده بود که زنان را در آن جا زندانی می کردند، زندانی کرد»^{۲۳}.

سرخسی گفته: «سزاوار است که زندان زنان بدهکار جدا باشد و با آنها هیچ مردی نباشد تا این که منجر به فساد نشوند»^{۲۴} ابن عابدین گفته: «برای زنان زندانی جدا قرار داده می شود برای دفع فساد»^{۲۵} «لازم است زندانی جدا برای زنان قرار داد، برای دوری جستن از فساد»^{۲۶}.

۲-۴. برتری مجازات زندان بر کیفرهای دیگر

مجازات زندان نسبت به مجازات دیگر مانند جریمه نقدی، شلاق، تبعید، اعدام برتری دارد .

۱-۴-۲. برتری کیفر زندان بر جریمه نقدی

روشن است که جریمه نقدی تبعیض آفرین است و با کیفر زندان قابل مقایسه نیست: زیرا افراد ثروتمند به آسانی با پرداخت جریمه، سختی مجازات را احساس نمی کنند و در مقابل افراد ضعیفتر فشار آن را احساس می کنند و غالباً به علت ناتوانی از پرداخت جریمه راهی زندان می شوند. دکتر محمدی در این مورد گفته است: «اگرچه جزای نقدی یکی از کیفرهای مناسب و رایج است لیکن از این جهت که تبعیض آفرین است نمی تواند با مجازات زندان برابری کند چرا که در جزای نقدی افراد متمکن و متمول به راحتی و با پرداخت جریمه بدون کمترین فشاری مجازات را تحمل می کنند در حالیکه افراد فقیر و مستضعف (به لحاظ مادی) یا کمرشان در زیر پرداخت جریمه خم می شود و یا ناگزیر به دلیل عجز از پرداخت جریمه بایستی راهی زندان شوند.»^{۲۷}

۲-۴-۲. برتری کیفر زندان نسبت به اعدام

در بعضی از جرایم مانند مفاسد اقتصادی و مالی کلان اگر مجازات زندان برای مفاسد اقتصادی در نظر گرفته نشود، ممکن است فرد مفسد به اعدام محکوم شود و اعدام یعنی نابود ساختن او و بستن تمام راه های اصلاح و بازگشت وی به آغوش جامعه. بنابراین برتری کیفر زندان روشن است که مجازات زندان می تواند زمینه ساز اصلاح مجرم و بازگشت او بعنوان فردی سالم به آغوش جامعه باشد. در کتاب مجازات های جایگزین آمده: «با توجه به آنکه اعدام طرد همیشگی فرد از جامعه است به هیچ وجه امکان بازگشت فرد به آغوش جامعه را فراهم نمی سازد و از طرفی آثار سازندگی و اصلاحی آن نیز به اثبات نرسیده است و لذا کیفر حبس از این

جهت که می تواند زمینه ساز اصلاح مجرم و بازگشت سالم او به آغوش جامعه باشد بسیار مفیدتر و مثمرتر از اعدام می باشد. ضمن اینکه تبعات منفی داخلی و بین المللی کیفر اعدام را هم ندارد. مضافاً بر این که تجربه نشان داده است، شدت مجازات ها در مقابله به بزه کاری ها توفیق چندانی به دست نیاورده است.^{۲۸}

۳-۴-۲. برتری مجازات زندان نسبت به شلاق

بدیهی است که مجازات زندان که در مدت طولانی اعمال می شود آثار اصلاحی بهتر و ثمره بازدارندگی آن بیش تر از شلاق است که آنی و زودگذر می باشد. دکتر محمدی در این زمینه گفته است: « تجربه نشان داده است مجازات هایی که در مدت طولانی اعمال می شود نسبت به مجازات های آنی و زود گذر آثار اصلاحی بهتری دارند و ثمرات بازدارندگی آن ها به مراتب بیشتر است. اگر چه شلاق ممکن است امتیازاتی نسبت به کیفر حبس داشته باشد ولی واقعیتی است که درد ناشی از شلاق آنی و زودگذر است، خیلی زودتر از آزار زندان که طولانی و مستمر است، زایل خواهد شد و اگر جنبه شخصیتی و ترمیمی آن مدنظر باشد باز هم زندان جنبه ترمیمی بیشتری داشته و دیرتر فراموش می شود. ضمن اینکه شلاق در عرف بین المللی نیز مجازات پذیرفته شده ای نیست و اعمال این مجازات دارای تبلیغات منفی میباشد.^{۲۹}»

۴-۴-۲. برتری کیفر زندان نسبت به تبعید

مجرمی که تبعید می شود در واقع خطر و شرش از منطقه ای به منطقه ای دیگر منتقل می شود، بلکه گاهی به دلیل نداشتن منبع درآمد در مکان جدید او را به ارتکاب جرایم جهت تامین هزینه خود و گاهی تامین هزینه خانواده وادار می کند.

در حالیکه زندانی حداقل در حالی که در زندان است خطر و شرش از جامعه دفع شده است. در کتاب مجازات های جایگزین آمده است: « مجرمی که تبعید می شود اولاً خطر او به طور کامل از جامعه دفع نمی شود و در واقع جامعه از مخاطرات او در امان نیست. چرا که یک فرد خاطی و مجرم تنها از نقطه ای به نقطه دیگر انتقال یافته و این کیفر دفع شر از جامعه را تضمین نمی نماید، علاوه بر این که فرد تبعیدی به دلیل نداشتن اشتغال و منبع درآمد در محل جدید، امکان ارتکاب به سایر جرایم از روی ناگزیری را دارد و تامین معاش و اعاشه وی در مدت تبعید به ویژه اگر خانواده نیز تمکن مالی نداشته باشند مشکل مضاعفی برای فرد تبعید شده می باشد.»^{۳۰}

۲-۵. زندان ضرورت اجتناب ناپذیر

اگر امر دایر باشد بین اینکه فرد فدای جامعه کرد یا جامعه فدای فرد هنگامی که امر دایر باشد بین اینکه مجرم به حال خود در میان جامعه رها کرد و بین اینکه او را زندانی کرد و شرارت او از جامعه با زندان دور کرد، در این صورت باید چه کار کرد؟ معلوم است که عقل برای دفع خطرات مجرم از جامعه به جلوگیری از به حال خود گذاشتن مجرم در میان جامعه، و جدا کردن او از افراد جامعه حکم می کند. در مواردی برای جلوگیری از فرار متهم و کشف جنایت و جلوگیری از تبانی در پنهان کردن مدارک و محو آثار جرم، زندان کردن متهم لازم و ضروری است، بلکه گاهی اجرای کیفرهای دیگر متوقف بر زندانی موقت مجرم است، در این راستا ناصر زاده در کتاب خود به نام آیین دادرسی کیفری نوشته: «بازداشت متهم، مطمئن ترین وسیله است برای در دسترس داشتن متهم در طول جریان تحقیقات مقدماتی؛ و محاکمه، و برای اجرای حکم محکومیت و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، و امحاء اسناد

و مدارک جرم، و تبانی با شهود و مطلعین، و شرکاء و معاونین احتمالی جرم، و مآلاً ایجاد اختلال در جریان تحقیقات و محاکمه و اجرای حکم محکومیت، و وسیله ای برای جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم به وسیله متهم بخصوص متهمین خطرناک و دارای سوابق سوء کیفری، و عاملی مهم در جهت حفاظت متهم از خطر ناشی از انتقام جویی و عملیات تلافی گرانه مجنی علیه، و خانواده او، و هم چنین وسیله اسکات اذهان عمومی که بر اثر وقوع جرم دچار خشم و هیجان شده اند، و اطمینان مردم به اینکه متهم به سزای عمل بد خود می رسد...»^{۳۱} علاوه بر آن حذف مجازات زندان ممکن است قضات را به مجازات اعدام سوق دهد، دکتر محمدی گفته است: «حذف مجازات زندان ممکن است قضات را در کشورهایی که هنوز هم مجازات اعدام در آنها وجود دارد به توسل هرچه بیشتر به صدور حکم اعدام سوق دهد.»^{۳۲} به نظر می رسد اگر مجازات زندان حذف گردد کیفر و راه مناسب دیگری برای دفع خطر مجرمان خطرناک از جامعه وجود نخواهد داشت. دکتر محمدی در این زمینه گفته است: «در صورت حذف مجازات زندان، معلوم نیست که با مجرمان خطرناک و تکرارکنندگان جرم چگونه باید رفتار کرد و با چه وسیله ای جامعه را از خطر این گونه افراد حفظ کرد؟»^{۳۳} در مواردی چاره ای جز حبس کردن مجرم و دفع شر و آزار او از جامعه وجود ندارد، و مجازاتهای جایگزین مانند جریمه نقدی، حبس خانگی و ... جهت دفع شرارت آنها کفایت نمی کند. باتوجه به اینکه بسیاری از متخلفان و مجرمان که جرایمشان اقتضای بیش از جایگزین هایی است که ذکر کردند؛ مانند، مفسدان اقتصادی و کلاهبرداران مالی ورشوه خواران، اگر قایل به زندان زدایی باشیم قضات به مجازات سنگین تری روی می آورند. دکتر محمد آشوری دلایل موافقان زندان اینچنین ذکر می کند: «امروزه، حتی با شروع هزاره سوم

میلادی، در بسیاری از کشورها و از دیدگاه مردم عادی، عدالت کیفری معادل با زندان تلقی می شود؛ تا آنجا که از قضات توقع دارند نه تنها در جرم های مهم بلکه در جرم های متوسط و کوچک نیز به این ضمانت اجرا متوسل شوند. البته، مجازات سالب آزادی را تنها شهروندان عادی از آن پشتیبانی نمی کنند؛ برخی صاحب نظران نیز بر ضرورت استفاده از آن تأکید دارند. در میان دلیل هایی که این دسته ارائه می کنند، حداقل می توان به سه دلیل زیر اشاره کرد:

الف- حذف مجازات زندان ممکن است قضات را در کشورهایی که هنوز هم مجازات اعدام در آنها وجود دارد، به توسل هرچه بیشتر به صدور حکم اعدام سوق دهد.

ب- هنگامی که از «ارباب» و باز دارندگی خصوصی زندان صحبت می شود، در واقع «ناتوان سازی» مجرم در طول تحمل کیفر زندان مد نظر است که با روش های جایگزین زندان نمی توان بدان دست یافت.

ج- در صورت حذف مجازات زندان، معلوم نیست که با مجرمان خطرناک و تکرار کنندگان جرم چگونه باید رفتار کرد و با چه وسیله ای جامعه را از خطر اینگونه افراد حفظ کرد^{۳۴}.

۲-۶. ضرورت صیانت جامعه و محافظت بر حقوق مردم

اسلام در راستای حفاظت بر حقوق مردم و صیانت جامعه مجازات بزه کاری به وسیله حبس، تشریح و قانون گذاری کرده است، در کتاب مجازات جایگزین در این زمینه آمده است: «فردی که قوانین و مقررات جامعه را زیر پا گذارده و نظام اجتماعی را مختل ساخته و به نوعی به حقوق افراد یا جامعه لطمه وارد ساخته، چنان

چه با واکنش مناسبی از سوی جامعه وارد نشود، آنچه به مخاطره خواهد افتاد قطعاً و یقیناً حیات خود جامعه خواهد بود. لذا ضروری است به منظور حفظ نظام و دفع شر از جامعه فرد خاطی تا اصلاح کامل مدتی از جامعه دور باشد تا خطرات ناشی از حضور قانون شکنان به دوام و قوام جامعه لطمه وارد نکند و برای نیل به این هدف، بهترین مجازات زندان است. از طرف دیگر در بسیاری از موارد تألمات روحی و جسمی ناشی از ارتکاب جرم به ویژه در زمان‌های اولیه ارتکاب بزه چنان مجنی علیه، خانواده و بستگان وی را متالم می‌سازد که در صورت دسترسی به مجرم امکان ورود صدمات و لطمات جبران ناپذیر به وی را متصور و حتمی می‌گرداند. زندان این حسن را دارد که جرم را از معرض زیان دیدگان و مجنی‌علیهم دور می‌سازد و بدین وسیله علاوه بر حفاظت از جامعه، از جان مجرم نیز صیانت و نگهداری می‌کند. بدیهی است با گذشت زمان تدریجاً و به مرور از آثار نامطلوبی که جرم نسبت به زیان دیده بر جای گذاشته، کاسته خواهد شد و بالطبع عصبانیت و تألمات مجنی علیه نیز کاهش خواهد یافت و مخاطراتی که مجرم را تهدید می‌کند فرو کش خواهد نمود.»^{۳۵}.

۷-۲. نفی تبعیض با مجازات زندان

اشکالاتی که وارد شده به این که بیشتر زندانیان از طبقه فقیر می‌باشند یا از رنگین پوستان هستند. این امر موجب نمی‌شود تا این که زندان را نفی شود. زیرا:

اولاً، مجرم از هر صنف و طبقه و رنگ و نژاد که باشد باید مجازات شود.

ثانیاً، از مواردی که به عنوان جایگزین مجازات زندان ذکر کرده اند جزای نقدی است، و معلوم است اگر آنرا جایگزین زندان قرار دهیم باعث می‌شود که مجرمین

سرمایه دار مرتکب جرم شوند و جزای آن پرداخت کنند که برای آنها جزای نقدی اصلاً مؤثر نیست زیرا توان مالی دارند ، ولی فقرا که توان پرداخت مال ندارد باید زندانی شوند و خود این تبعیض است و باعث می شود تنها فقرا در زندان باقی بمانند، علاوه بر آن بیشتر فقرا که زندانی می باشند به علت بدهکاری می باشد، و در صورتی که جایگزین حبس جزای نقدی باشد معلوم است که پرداخت آن برایشان امکان ندارد.

ثالثاً: در دوران کنونی تعداد زیادی از مجرمین از طبقه غیر فقیر می باشند مانند باندهای تبهکار، کلاهبرداران ، مرتکبان مفساد اقتصادی کلان و ... که این جرایم به سرمایه داران اختصاص دارد نه به فقرا لذا این اشکال وارد نیست.

۸-۲. مشروعیت مجازات زندان

اشکالاتی که وارد کرده اند به اینکه زندان زاییده غرب است و حکم زندان در قرآن وجود ندارد، و آنچه در سنت آمده از دوران امویان و عباسیان نشأت گرفته و بر اساس موازین اسلام نبوده؛ بنابراین مجازات زندان مشروعیت ندارد، پاسخ آن به شرح ذیل می باشد:

۸-۲-۱. مشروعیت زندان در سنت، آثار تاریخی، و کلام فقها و دانشمندان

در سنت روایات بسیاری از معصومین (ع) در مورد جرایم مختلف آمده مانند جرم کلاهبرداری، بدهکاری، سرقت در مرتبه سوم بعد از اجرای حد در دو مرتبه، زندان جاسوس مسلمان، زندان افراد شرور، حبس اسیران و باغیان، زندان در موارد گوناگون فحشا، زندانی کسی که مقتول را گرفته تا دیگری او را بکشد، حبس کفیلی که به مورد کفالت عمل ننموده است و ...

علاوه بر آن حضرت علی (ع) دو زندان به نامهای «نافع» و «مخیس» ساخت، مرحوم وائلی از کتاب رد المحتار علی الدر المختار^{۳۶} نقل کرده که «علی علیه السلام زندانی احداث کرد و آن را از بوریاء ساخت و اسمش را نافع گذاشت، دزدها دیوار آنجا را سوراخ می کردند و فرار می نمودند. سپس زندان دیگری از خاک و گل ساخت و آن را مخیس نامید یعنی محل رام کردن و خوار نمودن»^{۳۷}. رضوان شافعی در کتاب الجنایات المتحدّه فی القانون و الشریعہ گفته است: «در دوران پیامبر (ص) مکان خاصی برای زندان وجود نداشت و هم چنان در دوران خلافت ابوبکر، و هنگامی که رعیت گسترش یافتند در دوران عمر، عمر منزلی در مکه خرید و آن را زندان قرار داد، آن را از صفوان بن امیه به مبلغ چهار هزار درهم خرید، قبل از آن افراد در مسجد یا در دالان زندانی می شدند، گفته شده مکان خاصی برای زندان در دوران عمر و عثمان اختصاص داده نشده بود، تا دوران علی (ع) که زندانی از نی فارسی ساخت و آن را نافع نامید. آن اولین زندانی است که در اسلام ساخته شده، دزدان آن را سوراخ کردند و زندانیان از آن سوراخ فرار کردند، سپس زندانی از گل ساخت و آن را مخیس نامید.»^{۳۸}

در کتاب مسند زید، که از پدرش امام سجاد (ع) و او از پدرش امام حسین (ع) و او از علی (ع) روایت کرده است که: حضرت علی (ع) زندانی ساخت و آن را نافع نامید، سپس آن را ویران کرد و زندان دیگری ساخت و نام آن را مخیس گذاشت. آن حضرت درباره آن چنین فرموده است:

بنیت بعد نافع مخیسا

الم ترانی مکیسا

آیا نمی بینی مرا که زیرک و با هوش هستم که بعد از زندان نافع، زندان مخیس را ساختم.»^{۳۹}

سرخسی گفته است: «حبس کردن عقوبتی مشروع است و از این جهت نیز در صدر اسلام کیفر زنا، حبس کردن بوده است. و هم چنین پیامبر(ص) مردی را به خاطر اتهامی زندان کرد و علی (ع) دو زندان احداث کرد که یکی را نافع و دیگری را مخیس نامید.»^{۴۰}

حبس بدهکار و مدیون دارای مستندات محکم روایی است و فقها براساس آن فتوی داده اند و حکم نموده اند. در کتاب «زندان، هنر تنبیه یا مجازات قانونی» آمده است: «در حقوق اسلامی بازداشت اجرایی یا اداری در اصل در پیوند با بدهی ها بکار می رود. برابر حقوق مدون اگر بستانکاری باور کند که بدهکار دارای بسنده ای دارد می تواند بدهکار را در زندان نگاه دارد تا بدهی اش را بپردازد، اگر دادرس مجاب شود که بدهکار بدهی اش را خواهد پرداخت او را بازداشت و تحت نظر بودن آزاد و معاف می کند. اصطلاح زندان محدود به چند ماه است و تنها هنگامی می تواند به درازا کشد و بیاید که بستانکار ثابت کند که بدهکار دار و ندار بسنده ای دارد. تنها هدف از زندانی کردن به خاطر بدهی او است که بدهکار را وادار به گرفتن بستانکارانش کند. اگر آشکار شود که بدهکار تهی دست و ناتوان مالی است، آزاد خواهد شد.»^{۴۱} در ادبیات فقه آغازین زندان برای بدهی شناخته شده است، در حالی که باز پرداخت بدهی از رهگذر کار شخصی مردم است. ادبیات سده سوم هجری / نهم میلادی، می گوید که مالک، شافعی و ابو حنیفه هوادار زندان برای بدهی اند. در توضیح شافعی بیان می دارد که نمی توان از نیروی کاری بهره گرفت ولی همین کار را می توان بر ضد دارایی به

کار گرفته می شد به گونه ای همگانی مورد پذیرش فقیهان بود و زندان برای اجرای آنها به کار می رفت. از نگاه حنفیان زندان برای بدهی به تقریب، باید چهار ماه به درازا می کشید. بدهکار پس از بازپرسی دقیق، دستگیری می شود و اگر اثبات شود که توان پرداخت ندارد و می باید آزاد شود، آنگاه چنین بدهکاری معسر (مفلس) اعلام می شود.^{۴۲} روایت شده است که پیامبر (ص) دستور داده بود تا اشخاص مظنون یا متهم را دستگیر کند. در نمونه دیگر گویند پیامبر (ص) بنی قریظه را دستگیر کرده بود تا آنان را به پذیرش داور وادار کند.^{۴۳} هر عاقلی به نظام حاکم بر جامعه این حق را می دهد که بتواند برای استقرار نظم، آرامش و امنیت قوانینی را تصویب و اجرا گذارد، چنانچه افرادی بخواهند از حدود پذیرفته شده تجاوز نمایند با برخورد قانونی مواجه می شوند، هدف از این برخورد قانونی آشنا ساختن افراد و جامعه به حقوق فردی و اجتماعی و همراه کردن آنان با هنجارهای پذیرفته شده براساس قوانین تشریح شده است.

۲-۸-۲. مشروعیت زندان در قرآن

در قرآن کریم آیاتی بطور صریح بر مشروعیت زندان دلالت دارند. با ذکر این آیات به نتیجه ای مستدل در مورد مشروعیت زندان می رسیم، در این راستا، آیات ۱۵ و ۱۶ سوره ی نساء، ۳۳ و ۱۰۶ سوره ی مائده، و آیه ی ۵ سوره ی توبه مورد بررسی قرار می گیرند:

الف) دلالت آیات ۱۵ و ۱۶ سوره ی نساء بر زندانی کردن زن زنا کار در خانه
در این آیات آمده است: ((واللاتی یأتین الفاحشه من نسائکم فاستشهدوا علیهن أربعه منکم فان شهدوا فامسکوهن فی البیوت حتی یتوفاهن الموت أویجعل الله لهن

سبیلا، والأذان یأتیانها منکم فأذوهما فإن تابا وأصلحافاعرضواعنهما ان الله کان توأبارحیما.)) یعنی از زنان شما کسانی که مرتکب زنا می شوند، چهارتن از میان خود مسلمانان بر آنان گواه گیرید، پس اگر شهادت دادند آنان را در خانه ها نگاه دارید (حبس) تا مرگشان فرارسد یا خدا راهی برای آنان قرار دهد. و از میان شما آن دوتن که مرتکب زشتکاری می شوند آزارشان دهید، پس اگر توبه کردند و درستکار شدند از آنان صرف نظر کنید، زیرا خداوند توبه پذیر مهربان است. واژه ((امسکوهن)) در آیه ی ۱۵ به حبس تعبیر شده است و گفته اند زنانی که مرتکب زنا می شوند را در خانه زندانی کنید. علامه طباطبائی گفته است: ((امساک حبس دائمی است بر فاحشه، در صورتی که باشهادت چهار نفر ثابت شود، نه این که کیفر ارتکاب فحشاء باشد، گرچه ارتکاب آن معلوم گردد از غیر گواهی دادن شهود؛ و این از امتنان خداوند متعال بر امت است که اغماض و مسامحه کرده است؛ و حکم همان حبس دائمی است به قرینه غایت مذکور در آیه که فرموده در تائینکه بمیرند.))^{۴۴} طبری در تفسیر آیه گفته است: ((... زنان را در خانه ها زندانی کنید تا مرگشان فرارسد و یا اینکه خداوند راه نجاتی برای آنها پدید آورد.))^{۴۵} فخر رازی درباره ((فامسکوهن فی البیوت)) گفته است: ((زنان را بطور دائم در خانه های تان حبس نمائید، تا بدین وسیله از زناکاری آن ها جلوگیری کنید.))^{۴۶} آیت الله خوئی در این راستا گفته است: ((در این آیه هیچ گونه نسخی به وقوع نپیوسته است؛ زیرا منظور از فاحشه در آیه، به هر گونه اقدامی گفته می شود که در زشتی و نکوهش به بالاترین حد خود برسد... پذیرش وقوع نسخ در آیه اول متوقف بر موارد زیر است: یک- حبس کردن در خانه هابه عنوان حد، مجازات ارتکاب فاحشه باشد.

دو-منظوراز((یجعل لهن سبیلا))حکم جلدورجم باشد.

درحالی که اثبات این دو ادعا ممکن نیست، زیرا به روشنی ازآیه به دست می آیدکه هدف ازحبس درخانه هابازداشتن از ارتکاب عمل زشت است. واین موضوع ازقبیل دفع منکری است، که وجوب دفعش دراموربااهمیت، مانندناموس، ثابت شده باشد... و منظورازپیداشدن راه برای زنی که مرتکب فاحشه شده است، به وجودآوردن راه و فراهم کردن وسایلی است که زن به وسیله ی آن بتواندازعذاب رهایی پیدا کند، و جای بسی شگفتی است که ((جلد)) و ((رجم)) راه نجات برای او باشند، زیرا ماندن درخانه و برخورداری از امکانات رفاهی خیلی بهتر از تازیانه خوردن و سنگسار کردن است، و چگونه می توان گفت جلد و رجم به سود او است، درحالی که معلوم است آن هابه ضرراو هستند... زنی که مرتکب فحشا می شود باید تا زمان فراهم گشتن برای خروج وی ازمنزل، درخانه حبس شود، یا وسیله توبه ی صادقانه این اطمینان به دست بیاید، که او دوباره به گناه روی نمی آورد و یا به جهت پیری و مانندآن، که زن قابلیت ارتکاب فحشا را از دست می دهد... بنابراین حبس کردن درخانه حکمی است که استمرارش همیشه باقی است و ارتباطی باتازیانه زدن و یا سنگسارشدن ندارد.))^{۴۷} از مطالبی که گذشت به دست می آید: زنی که مرتکب زنا می شود، باید اورا تا زمانی که از طریق ازدواج و یا به واسطه ی پیری یا توبه کردن راهی برای وی گشوده شود درخانه حبس کرد. این حکم ارتباطی با حکم ((جلد)) درآیه ی دوم ازسوره ی نور و با حکم ((رجم)) - که با سنت قطعی ثابت شده است - ندارد، زیرا جلد و رجم مجازات هایی هستند که به قصد تأدیب انجام می پذیرند، اما حبس درخانه، به دلیل بازداشتن از ارتکاب مجدد زنا، به وقوع می پیوندد، تا یکی نسخ باشد و دیگری منسوخ. همچنین مفادآیه ی اول با آیه ی دوم نیز نسخ نشده است، چون موضوعشان

بایکدیگر متفاوت است. بنابراین این آیه ۱۵ سوره ی نساء، دلالت روشنی بر مشروعیت زندان دارد.

ب) دلالت آیه ی ۳۳ سوره ی مائده بر زندانی کردن محارب ((إنما جزاء الذین یحاربون الله ورسوله ویسعون فی الارض فسادا ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم وارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض ذلک لهم خزی فی الدنیا ولهم فی الاخره عذاب عظیم.)) ترجمه: مجازات کسانی که با خدا و پیامبر او می جنگند و در زمین به فساد می کوشند، جزاین نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند، یادست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا از زمین تبعید گردند. این رسوائی آنان در دنیا ست و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت.

عبارت ((او ینفوا من الارض)) بر مشروعیت زندان دلالت دارد؛ زیرا منظور از نفی زندانی کردن است به این معنی که فرد زندانی از تصرف در زمین ممنوع می شود، میان او و خانواده اش فاصله به وجود می آید و سختی هایی را تحمل می کند، چنین شخصی مانند کسی است که ازدنیارفته است.^{۴۸} فخر رازی در این باره گفته است: ((نفی همان زندانی کردن است.))^{۴۹} در فتح القدیر آمده: ((به استناد قران کریم زندانی کردن مشروعیت دارد، چون منظور از نفی در آیه ی (او ینفوا من الارض) زندانی کردن می باشد.))^{۵۰} ابن عابدین نوشته است: ((مشروعیت زندانی کردن از نظر قران، به استناد آیه ی (او ینفوا من الارض) ثابت می شود.))^{۵۱} ابن قدامه گفته است: ((بهتر است محارب را نخست به شهردیگری تبعید و سپس وی را در آنجا زندانی کنند.))^{۵۲} حر عاملی در این رابطه روایت زیر نقل کرده: ((..معتصم عباسی درباره ی راهزنان از امام جواد (ع) پرسید؛ امام در پاسخ فرمود: آن چه واجب است این است که خلیفه ملاحظه کند اگر راهزنان تنها راه رانا امن کرده اند و مرتکب قتلی نشده و مالی را از کسی

غصب نکرده اند، باید آن‌ها را زندانی کند، چرا که معنای نفی همین است.)^{۵۳} می‌توان گفت منظور از نفی محارب و افراد شرور، دفع شر و خطر آنان از افراد جامعه است، و اگر نفی به معنای تبعید مدنظر باشد، غرض فوق تحقق نمی‌یابد و برآورده نمی‌شود، زیرا محاربان و راهزنان که به آنجا تبعید می‌شوند مرتکب جنایت در آن سرزمین می‌شوند، و جامعه از ضرر و خطر آنان در امان نمی‌باشد. بنابراین، مراد از ((نفی)) در آیه زندانی کردن است، بنابراین این، می‌تواند به مضمون این آیه بر مشروعیت زندان استناد و استدلال کرد.

ج) دلالت آیه ی ۱۰۶ سوره ی مائده بر حبس موقت متهم: ((یا ایها الذین آمنوا شهادة بینکم اذا حضر احدکم الموت حین الوصیه اثنان ذوا عدل منکم او آخران من غیرکم ان اتم ضربتم فی الارض فاصابتکم مصیبه الموت تحبسونهما من بعد الصلاه فیقسمان بالله ان انتم ارتبتم لانشتری به ثمننا ولوکان ذا قربی ولانکنتم شهادة الله انا اذا لمن الاثمین.)) ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که یکی از شما را نشانه های مرگ در رسید، باید از میان خود دو عادل را در موقع وصیت، به شهادت میان خود فراخوانید، یا اگر در سفر بودید و مصیبت مرگ، شما را فرار سید و شاهد مسلمان نبود، دو تن از غیر خود را به شهادت بطلبید و اگر شک کردید، پس از نماز، آن‌دورا نگاه می‌دارید، پس به خدا سوگند یاد می‌کنند که ما این حق را به هیچ قیمتی نمی‌فروشیم هر چند پای خویشاوند در کار باشد، و شهادت الهی را کتمان نمی‌کنیم، که اگر کتمان حق کنیم در این صورت از گناهکاران خواهیم بود. این آیه دلالت دارد بر این که اگر مسلمانی در حال سفر از دنیا رفت و کسی از مسلمانان همراهش نبود، باید دو نفر بروصیت او شهادت بدهند، و اگر در مورد دو نفر شک و تردیدی باشد، باید تا بعد از نماز عصر که سوگند یاد می‌کنند، حبس شوند. علامه طباطبائی گفته است: ((منظور از تحبسونهما من بعد الصلاه

در آیه حبس آن دو است. اگر در اظهارات وصی یا مال الوصیه و در چگونگی وصیت شک و تردید نماید، دو نفر شاهد به خدا سوگند یاد می کنند.))^{۵۴} طبرسی گفته است: ((آنان را تا بعد از نماز عصر بازداشت نمائید؛ زیرا مردم حجاز عادتشان بر این بود که بعد از نماز عصر که اجتماع مردم بیشتری شد قسم می خوردند.))^{۵۵} بحرانی گفته است در رابطه با شهادت در آیه ۱۰۶ از سوره مائده، از امام صادق (ع) سؤال شده، حضرت فرموده: اگر کسی از مسلمانان در حال سفر از دنیا رفت، دو نفر شاهد عادل مسلمان بروصیت او شهادت بدهند، و اگر دو شاهد عادل پیدا نشد، دو نفر شاهد بیگانه که قرآن می خوانند رابه عنوان شاهد بپذیرند و آن دورا تا بعد از نماز عصر حبس نمایند.))^{۵۶} ابن عربی گفته است: ((حبسونهما من بعد الصلاة در آیه دلالت بر این دارد کسی که حق به ذمه اش است را باید حبس کرد، و این یکی از ریشه های حکمت، و حکمی از احکام دین است.))^{۵۷} خوئی گفته است: ((شیعه امامیه بر این اعتقادند که آیه ی ۱۰۶ از سوره مائده از محکومات است و نسخ نشده است؛ لذا شهادت اهل کتاب درباره ی وصیت مسلمانان در سفر، صحیح است.))^{۵۸} از مجموع مطالبی که گذشت معلوم می شود که آیه ی مزبور بر مشروعیت زندان دلالت دارد.

(د) دلالت آیه ی ۵ از سوره ی توبه، بر زندانی کردن اسیران.

یکی دیگر از آیاتی که می توان بر مشروعیت زندان به آن استناد کرد، این آیه است ((.. فاقتلوا المشركين حيث وجدتموهم وخذوهم واحصروهم واقعدوا لهم كل مرصد.)) ترجمه: مشرکان را هر کجا یافتید بکشید و آنان را دستگیر کنید، و به محاصره در آورید و در هر کمینگاهی به کمین آنها بنشینید. شیخ طوسی گفته است: ((حصرو حبس نظیر هم دیگر هستند.))^{۵۹} آلوسی گفته است: ((و خذوهم در آیه

یعنی آنان را به اسارت بگیریید و آخیزبه معنای اسیراست، و اسارت به بستن تفسیرشده است. «واحصروهم یعنی حبس شان کنید.»^{۶۰} فیض کاشانی در احصروهم در آیه گفته است: «(واحصروهم یعنی آنان را حبس کنید.)»^{۶۱} بنابراین آیه ۵ سوره ی مائده بر مشروعیت زندانی کردن اسیردلال می کند، و این نظریه به وسیله ی روایات فراوانی نیز تأیید شده.

۹-۲. تأکید اسلام بر رعایت حقوق زندانیان

بدون تردید اگر دستورات و تعلیمات اسلام درباره زندانیان مدنظر قرار بگیرد این مشکلات و ناهنجاری ها بوجود نمی آید؛ زیرا اسلام بر رفاه و آسایش زندانیان و رفتار مهربانه تأکید دارد،

عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) روایت کرده است که: بر امام مسلمین واجب است که زندانیان بدهکار در روز جمعه برای نماز جمعه بیرون بیاورد و در روز عید برای عید بیرون بیاورد و اگر نماز جمعه و روز عید سپری کردند به زندان برگرداند.^{۶۲} در ایضاح الفوائد آمده: «بر امام مسلمین واجب است زندانیان بدهکار را در روز جمعه و عید بیرون بیاورد.»^{۶۳} عبدالرحمان بن سیاه از امام صادق (ع) روایت کرده که: «بر امام واجب است زندانیان بدهکار را در روز جمعه و روز عید برای عید بیرون بیاورد. کسی را با آنان می فرستد بعد از نماز آنها را برگرداند.»^{۶۴} امیرالمؤمنین (ع) در نامه ای به ابن هرمه فرموده: «دستور دهید زندانیان شب را برای هواخواری و قدم زدن به محوطه زندان بیرون بیاورند.»^{۶۵} امام خمینی (ره) در این راستا به تربیت و اصلاح حقوق زندانیان توصیه می کند و تأکید دارد بر اینکه مسئولان زندان بازندان را رثوف و مهربان باشند که می فرماید: «(از اموری که هر چه بیشتر باید به آن

توجه شود رفاه حال زندانیان است... اینان اکنون اسیران شما هستند و به دست خود به اسارت کشیده شده اند، با اسرای خود چه اینان و چه اسرای جنگی رؤف و مهربان باشید و برادرانه رفتار کنید و زندان ها را به یک مدرسه آموزش و تربیت اخلاقی مبدل کنید...))^{۶۶} در این زمینه نیز فرموده: ((باید زندان ها محل تربیت باشند، باید مردم را در زندانها تربیت کرد. زندان خودش یک تربیتگاه باید باشد. خوب، کسانی که در زندان هستند برایشان صحبت بشود ارشاد شوند، آقایان که واقعاً گول خورده اند، و شاید اکثراً هم گول خورده باشند. آنهایی که گول خورده اند کم کم درست می شوند؛ تا یک وقتی که آرامش پیدا شد، خوب، آنها هم بروند سراغ زندگیشان، اما آنهایی که غیر اینها هستند، فرض کنید یک کسی دزدی کرده، یک کسی - یک فرض کنید این - یک کار خلاف کرده، این حد شرعی دارد، خوب حد شرعی جاری کنید آن که حد شرعی ندارد باید رسیدگی کرد و این تعزیری می خواهد، تعزیرش کنند و رهایش کنند. آن هم که حد دارد حدش را می زنند رها می کنند، نگه داشتنش در زندان جز اینکه یک خلاف باشد و خدا راضی نباشد و اینکه یک کسی که باید یک یا چند تا شلاق بخورد برود؛ خوب اینها را ناراحت کردن، که به اینها باید زودتر رسیدگی شود. حالا هم باز همین معنا را عرض می کنم که همه بدانند که در غیر دادگاه های که مربوط به این گروهک ها است، سایر دادگاه ها و دادرها کار مردم را باید زود تمام بکنند...))^{۶۷}.

۱۰-۲. به کارگیری زندانیان

یکی از راه حل های مشکلات مالی خانواده زندانیان، و پرداخت بدهکاری زندانیان به کارگیری زندانیان است که از نظر اسلام آنرا جایز و به آن توصیه می شود.

روایتی از حضرت علی (ع) نقل شده است که مفاد آن تشغیل - به کار گرفتن - زندانی بدهکار برای این که بدهکاریش به طلبکاران پرداخت کند، متن روایت چنین است: محمد بن محبوب از ابراهیم بن هاشم از نوفلی از سکونی از امام صادق (ع) از امام باقر (ع) نقل شده که علی (ع) به خاطر بدهی، شخص بدهکار را زندان می کرد. سپس بررسی می کرد اگر مالی داشت به طلبکاران می داد و اگر مالی نداشت او را به طلبکاران تحویل می داد و می گفت: اگر می خواهید او را برای دیگری به کار بگیرید و اگر خواستید خودتان او را به کار بگیرید.^{۶۸}

امام خمینی (ره) در پاسخ استفتاء [آقای مجید انصاری، اشتغال زندانیان در کارهای مفید با دریافت حقوق را جایز دانسته است. متن استفتاء و پاسخ ایشان به شرح زیر است:

محضر مبارک مرجع عظیم الشان و رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی - دام ظلّه العالی - با عرض سلام و آرزوی طول عمر توأم با پیروزی برای آن امام بزرگوار. احتراماً به استحضار می رساند، از آن جا که بیکاری زندانیان در مدت تحمل کیفر و تراکم آن در محیط های بسته زندان ها موجب توسعه جرایم و آلودگی های بیشتر آنها به انواع بیماریهای جسمی و روحی و اخلاقی می گردد و طبعاً بعد از آزادی مشکلات بیشتری را برای خود و جامعه فراهم می نمایند.

و به تجربه ثابت شده است که بهترین راه را برای بازپروری مجرمین خصوصاً افراد معتاد، اشتغال روزمره آنان به کارهای سالم و مفید است، لذا سازمان زندانها که قانوناً عهده دار اداره زندانها و اصلاح و ارشاد زندانیان است. کارگاههای وسیع در داخل و خارج از محیط زندان ها ایجاد و یا در دست احداث دارد. به زندانیان شاغل، مبلغی حقّ الزحمه می پردازد، اینک شبهه پیش آمده است که آیا خروج زندانی از زندان و اشتغال او در این گونه مراکز منافات با حکم صادره (حبس تعزیری) ندارد؟ لذا تقاضا دارد این سازمان رادر مورد سؤال زیر ارشاد و راهنمایی فرمایید: «آیا سازمان زندانها می تواند با رعایت کامل جوانب حفاظتی و امنیتی زندانیان را در کارگاهها و مراکز اشتغال داخل و یا خارج از زندان به کار مشغول نماید یا خیر؟» با تشکر: رییس سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور. مجید انصاری].

بسمه تعالی

مانعی ندارد.^{۶۹} روح الله الموسوی الخمینی

عبدالقادر عوده گفته: «در شریعت دلیلی بر ممنوعیت بکارگیری و اشتغال کسی که به زندان محکوم شده در کار دولتی برای استیفای بدهی ای که به آن محکوم شده است نیست»^{۷۰}.

۱۱-۲. حقّ زندانی در ملاقات با همسرش در راستای جلوگیری از فساد

در راستای جلوگیری از فساد اخلاقی زندانیان، از متون اسلامی بدست می آید که باید شرایطی ایجاد شود تا اینکه زندانی بتواند با همسرش خلوت کند. در مستدرک الوسائل روایتی در این زمینه نقل شده است که: «اخبرنا عبدالله، أخبرنا محمد، حدثنی موسی، قال: حدثنا ابي عن أبيه، عن جده جعفر بن محمد بن ابيه، عن جده عن علی

(ع): ان امرأه استعدت علیاً (ع) علی زوجها، فأمر علی بحسبه و ذلك لأن الزوج لا ینفق علیها اضراً بها، فقال الزوج: احبسها معی، فقال علی: لک ذلك ، انطلقی معه لا علیک احداً؛^{۷۱} در مستدرک الوسائل به نقل از جعفریات از علی (ع) نقل شده است: زنی که از همسرش به علی (ع) شکایت کرد؛ آن حضرت دستور داد آن مرد را زندانی کنند و جرم مرد این بود که نفقه و خرجی زن را نمی پرداخت تا این که به او زیان برساند، آن مرد گفت: زخم را نیز با من حبس کن، حضرت فرمود: این حق توست ، و به زن فرمود: همراه او برو. ((ابن عابدین گفته است: «در کتاب النهر آمده است: اگر شوهر نیاز به جماع و آمیزش داشت، همسرش یا کنیزش نزد او می رود در صورتی که در جایی مستور باشد، این دلیلی است بر این که همسرش با او زندانی نمی شود، اگر همسرش او را زندانی کرده باشد و این روشن است»^{۷۲}.

در مصنف عبدالرزاق صنعانی آمده است: «عمر بن عبدالعزیز نوشته است: اگر زندانی کسی را زخمی و مجروح کرده، او را زخمی کنید و اگر کسی را کشته، او را بکشید، و در غیر این صورت او را زندانی کنید و همسرش را نزدیک او قرار دهید تا این که از رأی بدش توبه می کند»^{۷۳}.

ابن قدامه گفته است: «اگر شوهر زندانی شود و دوست داشته باشد شب ها را میان همسرانش تقسیم کند به این که هر شبی یکی از آن ها را فرا خواند، بر همسرانش واجب است از او اطاعت کنند در صورتی که در جایی باشد همانند محل سکونتشان، و الا بر آن ها اطاعت واجب نیست زیرا متضرر می شوند»^{۷۴}. در کتاب مبانی فقهی حکومت اسلامی آمده است: «از جمله امور مهمی که در این رابطه باید بدانیم این است که شرایطی ایجاد شود که در آن زندانی بتواند با همسر خود دیدار و خلوت کند. برای این که نیاز جنسی یکی از نیرومندترین نیازهای انسانی است

وجدایی انداختن میان زن و شوهر به مدت طولانی موجب پدید آمدن اموری می گردد که خرد و شریعت بدان رضایت نمی دهند و چه بسا موجب جدایی کامل آنان و از هم پاشیدگی کانون خانواده‌شان گردد.^{۷۵}

۱۲-۲. ساختن زندان و هزینه ی اداره ی زندان ها در راستای مصالح مسلمانان

است

جلوگیری از جرایم و حفظ افراد جامعه در برابر مجرمین وظیفه دولت است، و از مهمترین مصلحت هایی است که باید از بیت المال صرف آن کرد اعم از ساختن زندان و فراهم کردن تمام امکانات لازم. وائلی می گوید: «(باتوجه به این که وجود زندان در تأمین مصالح عمومی و استیفای حقوق و تأدیب مجرمان کمال ضرورت را دارد، و هزینه مصالح عمومی باید از بیت المال تأمین گردد، از این جهت می بینیم بعضی از فقها مطلقاً می گویند که برامام به طور عینی واجب است که زندانی ترتیب بدهد و معنای آنست که گفته شود: تأمین هزینه ی آن برگردن حاکم است؛ چون این کار به مقتضای مصلحت عمومی انجام می گیرد، بنابراین هزینه اش هم باید از بیت المال باشد.»^{۷۶}

۱۳-۲. سازنده بودن زندان

هدف عمده ی زندان، اصلاح و باز پروری محکوم است، باید در زندان شرایطی را فراهم آورد که مجرم از کرده ی خود پشیمان شده، تعزیر به معنای تادیب و تنبیه است. باید سیاست های اصلاحی در زندان اجرا کرد و با اجرای برنامه ریزی های اصولی و فراگیر به زندانیان کمک کرد تا بعنوان افراد سالم به آغوش جامعه بر گردند. واز آنجا که اسلام، زندان را به عنوان مجازاتی برای پاکسازی محیط جامعه به

عنوان بستری برای تربیت و اصلاح انسانها مدنظر دارد، و باید انسانهایی که در صدد پایمال کردن حقوق دیگرانند، و جامعه را به ناهنجاری می کشند جدا ساخت، گاهی تنها با زندانی کردن خلافکار و مجرم می توان از حقوق دیگران حمایت کرد، زندان محلی برای قرنطینه و مراقبت ویژه آنان است بلکه محلی مناسب است برای آسیب شناسی اخلاقی و فرهنگی، اطلاعاتی را در اختیار محققان قرار می دهد. مجازات زندان یکی از کیفرهاست که نقش ارزشمندی در ایجاد آرامش در جامعه ایفا می کند. بدیهی است که نمی توان تخلفات و ارتکاب جرم بطور کامل ریشه کن کرد ولی می توان با مجازات زندان و اقدامات تربیتی و شیوه های کیفری دیگر جرایم را تقلیل داد و زندان به عنوان عاملی بازدارنده دانست و آن را در بازسازی شخصیتی مجرم و برگرداندن او به آغوش جامعه موثر دانست. کیفر زندان یکی از شایع ترین ضمانت اجرای کیفری در راستای تحقق اهداف اربعاب بالفعل و احتمالی و اصلاح زندانیان با هدف تقلیل تخلفات و جرایم و ایجاد آرامش و امنیت جامعه در قوانین کیفری کشورها خود سازی و اصلاح بزه کار پیش بینی شده است.

اگر دستورات و تعلیمات اسلام در مورد زندانیان و حقوق آنان از منظر شارع مقدس رعایت و به آن عمل شود امکان بازسازی متخلف و مجرم و بازگشت او به عنوان فردی سالم به آغوش جامعه فراهم می شود، توقف در زندان فرصت مناسبی برای تفکر به گذشته و آینده است. دکتر محمدی گفته است: « در زندان به شرط اینکه اصول صحیح رعایت شده و محیطی مناسب برای زندانی فراهم گردد امکان بازسازی شخصیتی مجرم و بازگشت شرافتمندانه او به دامن جامعه و سازگاری با اجتماع وجود داشته و این امتیازی است که حبس در مقایسه با سایر مجازات ها از آن برخوردار است؛ زیرا آموزش های مختلف حین تحمل حبس نقش سازنده ای در

اصلاح مجرم دارد. از سوی دیگر با توجه به اینکه زندانی می بایستی مدتی را در حبس بگذراند و بعضا نیز توقف در زندان ممکن است طولانی مدت باشد، لذا این زمان فرصت مناسبی برای غور و تفکر به گذشته و نگرشی به آینده بوده و در صورتی که محیط زندان مناسب باشد، امکان خوبی برای خود سازی مجرم و روی آوردن به معنویات، محاسبه نفس، مطالعه و کتاب خوانی، پندآموزی و عبرت پذیری و .. خواهد بود که باز هم سایر کیفرها فاقد این ظرفیت می باشند و اگر این ظرفیت را هم داشته باشند بسیار کم رنگ تر از زندان است.»^{۷۷}

۱۴-۲. مخالفان زندان ؛ به قوانین وضعی توجه داشته اند

آنان که اشکالاتی بر مجازات زندان وارد کرده اند ، توجه به زندان از دیدگاه قوانین وضعی داشته اند؛ به تاکیدات اسلام بر حقوق زندانیان و هدفی که از زندانی کردن افراد شرور و مجرم دارد توجه ننموده اند. وائلی در این راستا می گوید: «کلیه این ایرادها و اشکالات در مورد مجازات زندان است که یکی از احکام قوانین موضوعه بشری است و یکی از مهمترین عقوبتهایی است که امروزه اصناف جنایتکاران به جهت جرائم مختلف به وسیله آن مجازات شوند. اما در قوانین کیفری شریعت اسلام به دو علت این عیبها و ایرادات وجود ندارد: علت اول: شریعت اسلام در جرائم اصلی که گناهان حدودی و قصاص نامیده می شوند، هیچ وقت مجازات زندان را مقرر نکرده است، و باید توجه کرد که بیشتر جرایمی که در جوامع بشری صورت می گیرد از این نوع است....

علت دوم: مقررات شریعت با قوانین موضوعه بشری از بسیاری جهات از قبیل چگونگی رفتار با زندانیها و طول مدت زندان و تنوع زندانیها و مسائل دیگری در این رابطه ... تفاوت بسیار دارد»^۲

با توجه به اینکه مجازات جرایم اندکی حبس کوتاه مدت است، و در ضمن در بعضی از این موارد اندک به حاکم شرع اختیار داده که حکم به حبس کند یا به کیفری دیگر، و حاکم شرع در صورتی که تشخیص دهد کیفر حبس در بازداشتن از گناه مؤثر نبوده است می تواند کیفر دیگری را اجرا نماید. اگر در مجازات ها از نظر اسلام، دقت کنیم می یابیم که یک: مجازات و کیفر بیشتر جرایم حدود، قصاص، دیه، تازیانه و سنگسار کردن است. دو: کیفر جرایم مهمی مانند دزدی کردن برای سومین بار، نقش سبب در قتل مانند گرفتن مقتول برای کشتن، ارتداد زن، کفیل قاتل فراری و یا جرائم دیگری از این قبیل که اسلام درباره آنها کیفر زندان را به طور ابد تعیین کرده است، لذا جای ندارد که گفته شود زندان، کیفری است که نیروی بازدارنده ندارد، زیرا این افراد تا مرگ در زندان می مانند.

سه: در جرایمی که آزادی زندانی منوط به توبه کرده است، در مورد این گونه مجرمین اگر توبه کنند. دیگر گفته نمی شود باعث آلودگی جامعه می شود هنگام آزادی و برگشتن به آغوش جامعه، زیرا افرادی اصلاح شده می باشند.

چهار: سایر جرایم، که جرائم کوچک می باشند و موجب تعزیر هستند، که به حاکم شرع واگذار شده است که بعضی از آنها تازیانه یا جریمه نقدی و یا حبس است، و از دیدگاه اسلام این دسته از متخلفین باید جدا از مجرمین خطرناک نگهداری کرد. این افراد که به علت تخلفات و گناهان کوچک زندانی شده اند، و

مدت حبس آنها هم کوتاه است؛ در نتیجه امراضی که در زندانهای امروزی از فساد اخلاق و ... وجود دارد در این گونه افراد نخواهد بود.^{۷۸}

نتیجه گیری

در این پژوهش نتایج ذیل به دست آمده است:

الف-هدف اسلام از زندان دوامراست اصلاح و تنبیه مجرم و متخلف است. و نباید تنها اصلاح مجرم مدنظر قرار داد. بسیاری از کسانی که مجازات زندان را نفی می کنند تنها جنبه ی اصلاحی آن مدنظر داشته اند.

ب- جایگزین هایی که برای زندان ذکر کرده اند علاوه بر اینکه مشروعیت ندارند، بعضی از آن ها مانند جریمه مالی بازندان در امور مالی منافات دارد، نمی شود مشکل متخلف مالی با جریمه مالی حل کرد. بعضی از حقوقدانان از غرب متأثر شده اند و در کتاب هایشان جایگزین ها را پیشنهاد می کنند.

ج- زندان بهترین راهی است برای دفع شر و خطر مجرم از جامعه گرچه برای مدتی کوتاه باشد.

د- جایگزین جریمه مالی باعث تبعیض طبقاتی می شود؛ زیرا فقرا قدرت پرداخت جریمه مالی ندارند و در زندان باقی می مانند برخلاف ثروتمندان متخلف.

س- جریمه مالی نسبت به مفسدان اقتصادی و کلاهبرداران برخلاف کیفر زندان بازدارندگی ندارد.

ص - مجازات زندان بر کیفرهای دیگر برتری دارد.

م- کیفر زندان در اسلام مشروعیت دارد، و در قرآن کریم چهار آیه در حکم به مجازات زندان صراحت دارد، این آیات عبارتند از: یک- آیه ی ۱۵ سوره ی نسا بر زندانی کردن

زنان زناکار دلالت دارد، و این آیه با حکم جلد و رجم قابل جمع است به این که جلد جهت تادیب است و حبس برای پیشگیری از تکرار زنا است.

دو- نفی در آیه ی ۳۳ سوره ی مائده به صورت جمله ی خبری آمده و بر طلب دلالت می کند، اکثر مفسرین و فقها ((نفی)) را به معنای حبس و زندان تفسیر کرده اند.

سه- آیه ی ۱۰۶ سوره ی مائده بر بازداشت موقت دو شاهد اهل کتاب بروصیت دلالت دارد در زمانی که مسلمان در سفر است.

چهار- واژه (احصروهم) در آیه ی ۵ سوره ی توبه بر مشروعیت زندانی کردن اسیران دلالت دارد.

بنابراین هریک از آیات مزبور، در موارد خاص خود بر مشروعیت و جوب حبس و زندانی کردن دلالت دارد، و این پاسخی قطعی است بر مخالفان مشروعیت زندان در اسلام.

و- از طرق شیعه و اهل سنت روایاتی که بطور صریح بر مجازات زندان بخصوص در امور مالی دلالت دارند به حد استفاضه رسیده.

ی- فقها ی شیعه و اهل سنت بر مشروعیت زندان اجماع دارند. و عقل نیز به آن حکم می کند.

پی نوشت ها

- ۱- پورهاشمی، زندان؛ هنر تنبیه یا مجازات قانونی، انتشارات معاونت امر اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه.
- ۲- این شفاهاً از بعضی حقوقدانان شنیده شده است.
- ۳- محمدی، داود، مجازات های جایگزین، ص ۱۳۳ و ۱۳۴.
- ۴- همان، ص ۱۳۶.
- ۵- پورهاشمی، سیدعباس، زندان؛ هنر تنبیه یا مجازات قانونی، ص ۷۶.
- ۶- همان، ص ۸۵.
- ۷- همان، ص ۹۶.
- ۸- همان، ص ۱۰۵.
- ۹- آشوری، محمد، جایگزین های زندان، ص ۴۴.
- ۱۰- همان.
- ۱۱- وائلی، احمد، احکام زندان در اسلام، ص ۲۱۳.
- ۱۲- گودرزی و مقدادی، ص ۳۱ و ۳۲.
- ۱۳- وائلی، احمد، احکام زندان در اسلام، ص ۲۲۰.
- ۱۴- محمدی، داود، مجازات های جایگزین، ص ۸۸.
- ۱۵- همان، ص ۹۰ و ۹۱.
- ۱۶- همان، ص ۹۲.
- ۱۷- ص ۲۱۰ وائلی، احکام زندان،
- ۱۸- حر عاملی، محمد حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۳۰۸.
- ۱۹- عبد القادر، عوده، التشریح الجنائی، ج ۱، ص ۶۶۷.
- ۲۰- وائلی، احکام زندان در اسلام، ص ۲۲۷ و ۲۲۸.
- ۲۱- وائلی، احمد، احکام زندان در اسلام، ص ۲۲۸ و ۲۲۹.

- ۲۲- وائلی، احمد، احکام زندان در اسلام، ترجمه محمد حسن بکائی، ص ۲۵۵ و ۲۵۶.
- ۲۳- کتانی، عبدالحی، الترتیب الاداریه، ج ۱، ص ۲۹۹.
- ۲۴- سرخسی، شمس الدین ابوبکر، المبسوط، ج ۱، ص ۹۱.
- ۲۵- ابن عابدین، محمد امین، رد المحتار علی الدر المختار، ج ۴، ص ۳۲۸ و ۳۴۷.
- ۲۶- سرخسی، شمس الدین ابوبکر، المبسوط، ج ۲۳، ص ۴۳۰.
- ۲۷- محمدی، داوود، مجازات های جایگزین، ص ۹۰.
- ۲۸- محمدی، داوود، مجازات های جایگزین، ص ۸۹.
- ۲۹- همان، ص ۹۰.
- ۳۰- همان، ص ۸۹.
- ۳۱- ناصرزاده، آیین دادرسی کیفری، ص ۱۱۱.
- ۳۲- محمدی، همان، ص ۹۲.
- ۳۳- همان.
- ۳۴- آشوری، جایگزین های زندان، ص ۳۹.
- ۳۵- محمدی، مجازات های جایگزین، ص ۸۸-۸۹.
- ۳۶- ابن عابدین، محمد امین، رد المحتار علی الدر المختار، ج ۲، ص ۳۲۶.
- ۳۷- وائلی، احمد، احکام زندان، ص ۳۱.
- ۳۸- شافعی، رضوان، الجنایات المتحدّه فی القانون و الشریعہ، ص ۶۸.
- ۳۹- البقال، مسند زید، ص ۲۶۶.
- ۴۰- سرخسی، محمد بن احمد، مبسوط، ج ۲۰، ص ۸۹.
- ۴۱- پورهایمی، سیدعباس، زندان؛ هنر تنبیه یا مجازات قانونی، ص ۶۰ و ۶۱.
- ۴۲- همان، ص ۶۲.
- ۴۳- همان، ص ۶۳.

- ۴۴- طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۲۴۹.
- ۴۵- طبری، تفسیر طبری، ج ۴، ص ۲۹۳.
- ۴۶- فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۳، ص ۲۴۶.
- ۴۷- موسوی خوئی، البیان فی تفسیر القرآن، صص ۲۳۰ و ۲۳۱.
- ۴۸- طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۸۸.
- ۴۹- فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱۱، ص ۲۱۶.
- ۵۰- شوکانی، فتح القدر، ج ۵، ص ۴۷۱.
- ۵۱- ابن عابدین، ردالمحتار علی الدر المختار، ج ۴، ص ۲۳۶.
- ۵۲- ابن قدامه، مغنی، ج ۸، ص ۲۹۴.
- ۵۳- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۳۵.
- ۵۴- طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۶، ص ۲۱۱.
- ۵۵- طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۹۷.
- ۵۶- بحرانی، هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۵۰۹.
- ۵۷- ابن عربی، احکام القرآن، ج ۲، ص ۷۱۶.
- ۵۸- موسوی خوئی، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۳۶۶.
- ۵۹- طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۱۷۳.
- ۶۰- آلوسی بغدادی، روح المعانی، ج ۵، ص ۲۴۶.
- ۶۱- فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۳۲۲.
- ۶۲- صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۰.
- ۶۳- فخر المحققین، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، ج ۴، ص ۳۰۸.
- ۶۴- محسنی، القضاء والشهادة، ص ۱۶۵.
- ۶۵- تمیمی مغربی، نعمان، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۵۳۲.
- ۶۶- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۳۷.
- ۶۷- امام خمینی، صحیفه نور، ۱۳۶۵ ش، ج ۱۷، ص ۲۸۵.

- ۶۸- طوسی، محمد حسن، تهذیب، ج ۶، ص ۳۰۰.
- ۶۹- امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۴۶۰.
- ۷۰- عوده، التشریح الجنائی، ج ۱، ص ۷۰۷.
- ۷۱- نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۴۳۲.
- ۷۲- ابن عابدین، محمد امین، ردالمحتار، ج ۴، ص ۳۱۴.
- ۷۳- صنعانی، عبد الرزاق، المصنف؛ ج ۱۰، ص ۱۱۸.
- ۷۴- ابن قدامه، عبدالله، المغنی، ج ۷، ص ۳۴.
- ۷۵- منتظری، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه ابوالفضل شکوری، ج ۴، ص ۱۲۹.
- ۷۶- وائلی، احکام زندان در اسلام، ص ۲۴۵.
- ۷۷- وائلی، احکام زندان در اسلام، ص ۹۱.
- ۷۸- احکام زندان، ص ۲۱۰.

منابع

- ۱- آشوری، محمد، جایگزین‌های زندان یا مجازات بینابین، تهران، نشر گرایش، ۱۳۸۲ ش.
- ۲- آلوسی بغدادی، محمود، روح المعانی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ۳- ابن عابدین، محمدامین، ردالمحتار علی الدر المختار (حاشیه ابن عابدین)، قاهره، مصطفی الحلبي، ۱۳۸۶ ق/ ۱۹۶۶م.
- ۴- ابن العربی، محمدبن عبدالله، احکام القرآن، مصر، عیسی البابی الحلبي، ۱۳۷۷ق/ ۱۹۵۷م.
- ۴- ابن قدامه، عبدالله بن احمد بن محمد، المغنی فی الفقه، قاهره، دار الهجر، ۱۴۰۶ ق.
- ۵- امام خمینی، صحیفه ی نور، ۱۳۶۵ش..
- ۶- بحرانی، هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، اسماعیلیان، بی تا.
- ۷- البقال، عبدالعزیز، مسند زید، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۵ ق.
- ۸- بولک، برنار، کیف‌شناسی، ترجمه ی علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، مجتمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۷۲ش.
- ۹- پورهاشمی، سیدعباس، زندان؛ هنر تنبیه یا مجازات قانونی، تهران، انتشارات معاونت امور و پیشگیری از وقوع جرم، ۱۳۸۳ ش.
- ۱۰- تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، مصر، دارالمعارف، ۱۳۸۵ ق.

- ۱۱- حر عاملی، محمدبن الحسن، وسائل الشیعه، تهران، المكتبه الاسلامیه، ۱۴۰۱ ق.
- ۱۲- حلی فخر المحققین، ابوطالب، ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد، طهران، بنیاد فرهنگ اسلامی.
- ۱۳- سرخسی، محمدبن احمد شمس الدین ابوبکر، المبسوط، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ق.
- ۱۴- شوکانی، محمدبن علی، فتح القدير الجامع بین فنی الروایه و الدرايه، مصر، طبع مصطفى الحلبي، ۱۳۸۳ق.
- ۱۵- شافعی، رضوان، الجنایات المتحدہ بین القانون و الشریعہ، مصر، المطبعه السلفیہ، ۱۳۹۸ق.
- ۱۶- صدوق، محمدبن علی، من لایحضره الفقیه، تهران، دارالکتب الاسلامیہ، ۱۳۶۲ق.
- ۱۷- صنعانی، عبدالرزاق بن همام، المصنف، بیروت، ۱۳۹۰ق / ۱۹۷۰م.
- ۱۸- طوسی، محمدبن الحسن، تهذیب الاحکام، طهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۱ق.
- ۱۹- طوسی، محمد بن الحسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.

- ۲۰- طوسی، محمدبن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران، نشر صدوق، ۱۴۱۷ق.
- ۲۱- طباطبائی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات وابسته به جامعه مدرسین قم، ۱۳۸۵ق.
- ۲۲- طبرسی، الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۶م.
- ۲۳- طبری، محمدبن جریر، تفسیرطبری، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
- ۲۴- عوده، عبدالقادر، التشريع الجنائی الاسلامی مقارناً بالقانون الوضعی، قاهره، ۱۹۴۸م.
- ۲۵- فخر رازی، محمدبن عمر، مفاتیح الغیب، مصر، مطبعة البهیه، ۱۴۱۲ق.
- ۲۶- فیض کاشانی، ملامحمدمحسن، تفسیر الصافی، قم، چاپ و نشر نوید اسلام، ۱۳۸۷ش.
- ۲۷- کنانی، عبدالحی، التراتیب الاداریه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ۲۸- گودرزی بروجردی، محمدرضا، مقدادی، لیلا، تاریخ تحولات زندان، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶ش.
- ۲۹- محسنی، القضاء والشهادة، قم، مطبعة سید الشهداء، بی تا.
- ۳۰- محمدی، داوود، مجازات‌های جایگزین، تهران، انتشارات عود، ۱۳۸۴ش.

۳۱- منتظری، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه ابوالفضل شکوری، ایران، نشر سرایی، ۱۳۷۹ش.

۳۲- موسوی خوئی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم، المطبعة العلمیه، ۱۳۶۴ش.

۳۳- ناصرزاده، هوشنگ، آیین دادرسی کیفری، سلب آزادی تن، تهران، نشر دیدار، بی تا..

۳۴- نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، تهران، انتشارات میرزا محمود تاجر، ۱۳۱۹ق.

۳۵- وائلی، احمد، احکام زندان در اسلام، ترجمه محمدحسن بکائی، دفتر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵ش.